

محور الالهيّات پولس

درس
دوم

پولس و غلاطيان



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

The Farsi Translation of “The Heart of Paul’s Theology: Lesson 2: Paul and The Galatians”

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel®. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: محور الاهیات پولس (درس شماره ۲: پولس و غلاطیان)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

farsi.thirdmill.org

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

سفر اول

مشکلات

ورود غیر یهودیان

معلمین کذب

(۳) محتوا

مقدمه و موخره

مقدمه‌ای بر مشکلات

روایات تاریخی

خواندگی و تحصیلات

ملاقات با رهبران

مخالفت با پطرس

شواهد الاهیاتی

تجربیات اولیه

ایمان ابراهیم

تجربه کنونی

همسران و پسران ابراهیم

نصایح عملی

آزادی در مسیح

قدرت روح

داوری الهی

(۴) دیدگاه‌های الاهیاتی

مسیح

انجیل

شریعت

اتحاد با مسیح

روح القدس

خلقت جدید

(۵) نتیجه‌گیری

پولس و غلاطیان

مقدمه

یک بار داستانی دربارهٔ خانمی شنیدم که در نوجوانی ازدواج کرده بود. دختر جوانی که به هیچ وجه برای زندگی آماده نبود. طولی نکشید که او مضطرب و دلتنگِ آسایشِ آشنای دوران کودکی شد. بنابراین، یک روز، در حالیکه که شوهرش سر کار بود، مخفیانه به حیاط خانهٔ والدینش رفت و خود را در اتاق بازی قدیمی‌اش پنهان کرد. وقتی نهایتاً عصر آن روز شوهرش او را پیدا کرد، دستان لرزانش را گرفت و با ملایمت او را به خانه برگرداند. شوهر می‌دانست که زندگی مثل یک بزرگسال برای همسرش دشوار است، اما این را هم می‌دانست که همسرش باید دوران کودکی را پشت سر بگذارد. دوران جدیدی در زندگی او آغاز شده و زمان آن رسیده بود که همراه شوهرش از عجایب و چالش‌های زندگی بزرگسالانه لذت ببرد.

در قرن نخست، مورد مشابهی در کلیسای مسیحی رخ داد. اکثر مسیحیان اولیه، یهودیانی بودند که تحت تعلیم رسوم مذهبی و شریعت یهودی رشد کرده بودند. اما وقتی این یهودیان شروع به پیروی از مسیح کردند، روابط آنان با خدا تغییر کرد. آنها به درجه‌ای از بلوغ روحانی رسیدند چون مکاشفهٔ کامل‌تری از خدا در مسیح دریافت کردند. اما پس از مدتی، بعضی از این مسیحیان یهودی‌نژاد اولیه، با احساس کمبود امنیت و الفتی که در عادات یهودی قدیمی خود داشتند شروع به آمیختن ایمان مسیحی خویش با اصول قدیم موروثی‌شان کردند و اصرار داشتند که دیگران هم باید چنین کنند.

این دومین درس از مجموعه دروس «محور الاهیات پولس»، «پولس و غلاطیان» نام دارد. در این درس خواهیم دید که کلیساهای غلاطیه، با احیای بعضی عادات یهودیت، به طفولیت روحانی برگشته بودند. همچنین خواهیم دید که پولس چه واکنشی به این مسیحیان واپس‌گرا نشان داد.

مطالعهٔ ما دربارهٔ پولس و غلاطیان به سه بخش تقسیم می‌شود. نخست، نگاهی به پیش‌زمینهٔ رسالهٔ پولس به غلاطیان خواهیم کرد. دوم، به محتوای رسالهٔ او به غلاطیان نگاهی می‌اندازیم. و سوم، به تفتیش این موضوع خواهیم پرداخت که چطور این رساله، چشم‌اندازهای مرکزی الاهیات پولس، و آموزهٔ او دربارهٔ روزهای آخر، یا آخرت‌شناسی را آشکار می‌کند. بیایید ابتدا به پیش‌زمینهٔ رسالهٔ پولس به غلاطیان نگاه کنیم.

پیش‌زمینه

پولس تمام نامه‌های خود را در حالی نوشت که از مکانی به مکان دیگر سفر می‌کرد. بنابراین، برای درک آنچه که پولس به غلاطیان نوشت، باید به بعضی سوالات اساسی دربارهٔ وضعیت تاریخی در غلاطیه پاسخ بدهیم. از دو راه این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد. نخست، تماس پولس با غلاطیان در اولین سفر بشارتی‌اش را مرور خواهیم کرد. و بعد، به برخی از مشکلات خاصی نگاه می‌کنیم که انگیزهٔ پولس شدند تا این رساله را به آنها بنویسد. بیایید ابتدا به پیش‌زمینهٔ اولین سفر بشارتی پولس نگاه کنیم.

سفر اول

این سفر در حدود سال ۴۶ میلادی، بعد از اینکه خدا به کلیسا در انطاکیهٔ سوریه گفت تا پولس و برنابا را برای کار مخصوص بشارت جدا کنند، شروع شد. پولس و برنابا سفر خود را با سفری دریایی به جزیرهٔ قبرس آغاز کردند. آنها از شهر سلامیس در شرق شروع کردند و با اعلام انجیل از کنیسه‌ای به کنیسهٔ دیگر، به سمت شهر پافُس در غرب رفتند.

پولس و برنابا از قبرس و از راه دریا به پرجه، و بعد از طریق راه زمینی به منطقهٔ انطاکیهٔ پیسیدیه رفتند که در آن زمان بخشی از استان رومی غلاطیه بود. بعد از شنیدن موعظهٔ انجیل توسط پولس در کنیسهٔ آنجا، بسیاری از یهودیان واکنش مثبتی نشان دادند. اما ظرف یک هفته، یهودیان غیر ایماندار، شهر را علیه پولس و برنابا شورانیدند و آنان را از شهر فراری دادند.

پولس و برنابا از انطاکیهٔ پیسیدیه به سمت شرق استان غلاطیه رهسپار شدند و نخست در شهر ایقونیه توقف کردند. وقتی آنها انجیل را در کنیسهٔ آنجا موعظه کردند، بسیاری از یهودیان و غیریهودیان ایمان آوردند اما از آنجا که یهودیان غیرایماندار نقشهٔ قتل پولس و برنابا را کشیدند، آنها مجبور شدند شهر را به سرعت ترک کنند و به همین دلیل پایه‌های کلیسا مستحکم نشد.

توقف بعدی آنان در شهر لستره بود؛ جایی که پولس کلیسای دیگری بنا کرد. پولس لنگ مادرزادی را در لستره شفا داد. اما وقتی مردم شهر این معجزه را دیدند، به اشتباه پولس را خدای هرِمِس و برنابا را زئوس پنداشتند. آنها حتی سعی کردند که برای آن مبشرین قربانی بگذرانند اما پولس و برنابا توضیح دادند که آنان صرفاً انسان هستند. پس از آن، بعضی یهودیان غیر ایماندار از ایقونیه رسیدند و توانستند شهروندان لستره را که اکنون از پولس و برنابا دلسرد شده بودند، در مقابل آنها قرار دهند؛ اما خدا زندگی پولس را حفظ کرد و او یک بار دیگر به کار خود ادامه داد. پولس و برنابا به سمت شرق غلاطیه تا دربه سفر کردند که در آنجا ایمانداران مسیحی زیادی وجود داشت. در دربه بود که بالاخره پولس فرصت یافت تا با تعیین مشایخ، کلیسا را سازمان دهد.

اما پولس همچنان نگرانی عمیقی برای مسیحیان در لستره، ایقونیه، و انطاکیه پیسیدیه داشت. بنابراین پولس و برنابا با به خطر انداختن جسم و جان خویش به هر یک از این شهرها برگشتند. آنها کلیساهای نوپا را تقویت کردند و توضیح دادند که آن رنج‌هایی که ایمانداران در خدمت پولس و برنابا دیده بودند، همان نوع محتنی بود که تمام مسیحیان می‌بایست با پیشبرد ملکوت خدا، انتظار تحمل آن را می‌داشتند. این مبشرین، از انطاکیه پیسیدیه به سمت ساحل برگشتند و در شهرهای پرجه و اتالیه موعظه کردند. و از اتالیه، از راه دریا به سوی انطاکیه سوریه رفتند. اکنون، در کتاب غلاطیان پولس به زمانی که در غلاطیه بود اشاره می‌کند. بنابراین، می‌دانیم که او این رساله را زمانی بعد از اولین سفر بشارتی خود نوشت. اما مهم است دقت کنیم که رساله غلاطیان به ملاقات معروف رسولان در اورشلیم که در باب ۱۵ اعمال ثبت شده و بعدها اتفاق افتاده، اشاره‌ای نمی‌کند. شورای اورشلیم به بعضی از مشکلات مشابه موجود در نامه پولس به غلاطیان اشاره کرد، و اگر شورا قبل از نوشتن رساله به غلاطیان تشکیل شده بود، پولس از شورا درخواست می‌کرد که دیدگاه‌های او را پشتیبانی کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که احتمالاً او رساله به غلاطیان را در سال ۴۸ میلادی، یک سال بعد از ترک غلاطیه اما قبل از تشکیل شورای اورشلیم نوشته باشد.

حالا که دیدیم چطور کتاب غلاطیان به اولین سفر بشارتی پولس ارتباط پیدا می‌کند، باید به مشکلات خاصی در غلاطیه که پولس را نگران می‌کردند نگاه کنیم.

مشکلات

شرایط کلیساهای غلاطیه چگونه بود؟ چه اتفاقاتی در آن کلیساها افتاده بود که پولس را مجبور کرد تا به آنان رساله‌ای بنویسد؟ ما دو مشکل را بررسی خواهیم کرد: ورود غیریهودیان در این کلیساها، و برآمدن معلمین کذب. بیایید ابتدا ببینیم چطور مسیحیان غیریهودی در کلیساهای غلاطیه جمع شدند.

ورود غیر یهودیان

یکی از عالی‌ترین کارهایی که خدا از طریق اولین سفر بشارتی پولس انجام داد، این بود که غیر یهودیان بسیاری را به سوی مسیح آورد. برخلاف انتظار پولس، یهودیان زیادی در غلاطیه انجیل را رد کردند. وقتی پولس با این مخالفت گسترده روبرو شد، تشخیص داد که خدا از او می‌خواهد تا بر رسیدگی به غیریهودیان متمرکز شود. به سخنان پولس خطاب به یهودیان انطاکیه پیسیدیه که در اعمال ۱۳: ۴۶-۴۷ ثبت شده است گوش کنید:

لازم بود که کلام خدا قبل از همه به گوش شما برسد، اما چون شما آن را رد کردید و خود را لایق حیات جاودانی ندانستید، بدانید که ما از این پس پیش غیریهودیان خواهیم رفت، زیرا خداوند چنین فرموده است: «من تو را برگزیدم که نور ملت‌ها و وسیله رستگاری همه جهان باشی» (اعمال ۱۳: ۴۶-۴۷).

این متن تغییر جهتی بزرگ در خدمت پولس را آشکار می‌کند. به عنوان یک یهودی، طبیعتاً او بشارت به یهودیان را در اولویت قرار داد. اما واکنش‌های منفی آنان به انجیل، پولس را متقاعد کرد که خدا او را به سوی رسیدگی به غیریهودیان می‌خواند. و او این کار را با موفقیت زیادی انجام داد. گوش کنید که لوقا چطور کار پولس در ایقونیه را در اعمال ۱۴: ۱ خلاصه می‌کند:

در ایقونیه، ایشان با هم به کنیسه یهود درآمد، به نوعی سخن گفتند که جمعی کثیر از یهود و یونانیان ایمان آوردند (اعمال ۱۴: ۱).

این فقط یهودیان نبودند که ایمان می‌آوردند، بلکه غیر یهودیان نیز. به طریق مشابهی، در اعمال ۱۴: ۲۷ لوقا گزارش می‌دهد که پولس چگونه اولین سفر بشارتی خود را با گفتن این جمله خلاصه کرد:

خدا... دروازه ایمان را برای امت‌ها باز کرده بود (اعمال ۱۴: ۲۷).

اکنون، شاید فکر کنیم که همه از دیدن تعداد زیادی غیریهودی در کلیساهای غلاطیه لذت می‌بردند. اما در حقیقت، ورود غیر یهودیان باعث مشکلات جدی در غلاطیه شد و در واکنش، این مشکلات معلمین کذب یهودی را برانگیخت.

معلمین کذب

تا پیش از اولین سفر بشارتی پولس، کلیسای مسیحی عمدتاً از یهودیان تشکیل شده بود. کلیسای اولیه در اورشلیم آغاز شده بود و سخت این هویت یهودی را حفظ کرده بودند. در نتیجه، ورود غیریهودیان منتهی به مشکلات الاهیاتی و عملی بسیاری شد. آیا این غیریهودیان باید سنن یهودی را می‌پذیرفتند؟ آیا باید آنان همچنانکه ایمانداران عهد عتیق ملزم به رعایت شریعت بودند، شریعت موسی را حفظ می‌کردند؟ اینچنین سوالاتی باعث ظهور معلمین کذب در غلاطیه شد. این معلمین یهودی با اصرار بر اینکه غیریهودیان باید ختنه شوند، از راه خود با آنان در کلیسا روبرو شدند.

پولس در طول اولین سفر بشارتی خود ایمانداران غیر یهودی را ختنه نکرد، اما معلمین کذب در غیاب او خلاف آن را تعلیم دادند. پولس می‌دانست که خدا ختنه را برای اسرائیل معین کرده است و خود مخالف ختنه نبود.

اما در غلاطیه، ختنه غیر یهودیان تبدیل به مسئله بسیار مهمی شده بود که پولس نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. این مسئله نشان‌دهنده انحرافی جدی از محور انجیل مسیحی بود.

ما به سه طریقی اشاره خواهیم کرد که پولس باور داشت اصرار بر ختنه غیر یهودیان بازتابی جدی از درک اشتباه ایمان مسیحی است. نخست، انکار کفایت مرگ و رستخیز مسیح برای نجات بود. دوم، نشانگر تکیه‌های نادرست بر نیروی جسم بود. و سوم، منجر به تفرقه در کلیساهای غلاطیه شد. بیایید ابتدا ببینیم چطور معلمین کذب کفایت مرگ و رستخیز مسیح برای نجات را انکار کردند.

شاید از کتاب غلاطیان اینطور گمان کنیم که معلمین کذب غلاطیان، ختنه را به عنوان یک قربانی خون می‌دیدند که ایمانداران را قادر می‌ساخت به گونه‌ای زندگی کنند که باعث خشنودی خدا شود. در دیدگاه آنان، ایمانداران باید ختنه را به کار نجات‌بخش مسیح اضافه می‌کردند. اما از منظر پولس، این باور مرگ مسیح را از مفهوم و ارزش حقیقی آن تهی می‌کرد. به همین دلیل است که پولس این کلمات را در غلاطیان ۵: ۲ می‌نویسد:

اینک من، پولس، به شما می‌گویم که اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفع ندارد (غلاطیان ۵: ۲).

علاوه بر انکار کفایت بسندگی کار نجات‌بخش مسیح، معلمین کذب در غلاطیه انجیل پولس را با این تعلیم که ایمانداران باید برای تکمیل نجات‌شان بر جسم تکیه کنند، به چالش کشیدند. پولس در غلاطیان ۳: ۳ صریحا به این مشکل اشاره می‌کند؛ آنجا که با طعنه می‌پرسد:

آیا تا این حد نادانید که با روح آغاز کردید و اکنون می‌خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟ (غلاطیان ۳: ۳).

اصطلاح یونانی‌ای که «تلاش انسانی» ترجمه شده، سارکس (sarx) است که اغلب «جسم» ترجمه شده است. پولس معمولا از اصطلاح «جسم» (یا سارکس) برای اشاره به تلاش نیروی انسانی صرف استفاده می‌کرد، و اغلب بر راه‌های گناه‌آلود انسانی دلالت می‌کرد. بنابراین، اینجا به درستی «تلاش انسانی» ترجمه شده است. وقتی پولس خدمت در غلاطیه را شروع کرد، موعظت او با جلوه‌های آشکار قدرت روح‌القدس همراه بود. غلاطیان زندگی مسیحی خود را در قدرت روح آغاز کردند. اما اکنون، با روی آوردن به سوی ختنه، برای زندگی‌ای که خدا را خشنود کند، بر توانایی‌های انسانی خودشان تکیه کرده بودند. به طرز عجیبی، این تکیه بر توانایی انسانی، در حقیقت آنان را محکوم به ناتوانی و شکست کرده بود.

پولس عمیقا در زحمت بود، چون علاوه بر انکار ارزش کار مسیح و اهمیت روح‌القدس، معلمین کذب در کلیسا تفرقه به وجود آورده بودند. آنچنان که او در غلاطیان ۶: ۱۵-۱۶ می‌گوید:

نه ختنه چیزی است و نه ختنه‌ناشدگی؛ آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است. همه آنان را که از این اصل پیروی می‌کنند، و اسرائیل خدا را، سلامتی و رحمت باد (غلاطیان ۶: ۱۵-۱۶).

در مسیح، شکاف بین یهودیان و غیر یهودیان از بین رفته بود.

عدم اتحاد در کلیساهای غلاطیه، پولس را عمیقاً به زحمت انداخته بود. نزاع و جدایی در میان قوم خدا کاملاً با آنچه مسیح انجام داده بود ضدیت داشت و بر خلاف آن کمال مطلوبی بود که کلیسا باید در جهت آن تلاش می‌کرد. اما معلمین کذب این تعلیم عهد عتیق را پیروی می‌کردند که ختنه برای جای‌گیری کامل در میان قوم خدا ضروری است. در کلیسا برای بسیاری - به خصوص مسیحیان یهودی‌نژاد - طبیعی بود که فکر کنند هر که ختنه را رد کند، در بهترین حالت می‌تواند یک فرد درجه دو باشد. بنابراین جای تعجبی ندارد که تفرقه‌ها بین آن مسیحیان ختنه‌شده و ختنه‌نشده شکل گرفت.

بنابراین می‌بینیم که معلمین کذب مشکلات بسیار جدی‌ای در کلیساهای غلاطیه ایجاد کرده بودند. و پولس که شنیده بود این معلمین کذب چه می‌کنند، نمی‌توانست ساکت بماند. غلاطیان فرزندان روحانی او بودند که او آنها را دوست داشت. بنابراین رساله خود را نوشت تا هم ایمانداران یهودی و هم غیریهودی را از دیدگاه‌های ویرانگر این معلمین کذب نجات دهد.

حال که برخی از جنبه‌های مهم پیش‌زمینه رساله پولس به غلاطیان را دیدیم، آماده‌ایم که به ساختار و محتوای نامه او نگاه کنیم. پولس به کلیساهای غلاطیه چه نوشت؟ او چگونه به مشکلات آنها پاسخ داد؟ با خلاصه کردن هر یک از بخش‌های اصلی کتاب غلاطیان، به کاوشی مختصر در این کتاب خواهیم پرداخت.

محتوا

رساله به غلاطیان به شش بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست، یک مقدمه در ۱: ۱-۵؛ دوم، مقدمه‌ای بر مشکلات در غلاطیه در ۱: ۶-۱۰؛ سوم، چند روایت تاریخی در ۱: ۱۱-۲: ۲۱؛ چهارم، مجموعه‌ای از شواهد برای آموزه میرا شمردگی به ایمان در ۳: ۱-۴: ۳۱؛ پنجم، چند نصیحت عملی در ۵: ۱-۶: ۱۰؛ و در انتها، موخره‌ای در ۶: ۱۱-۱۸.

مقدمه و موخره

مقدمه غلاطیان کوتاه و بسیار ساده است. این مقدمه پولس را به عنوان نویسنده و کلیساهای غلاطیه را مخاطبین آن معرفی می‌کند. موخره نیز کوتاه است و نامه را با چند سخن پایانی و برکت شخصی پولس برای کلیساها به پایان می‌برد. همچنین، برخی از اندیشه‌های مهم‌تر پولس در این نامه را برجسته می‌کند.

مقدمه‌ای بر مشکلات

در بخش دوم، ۱: ۶-۱۰ که آن را «مقدمه‌ای بر مشکلات» خواندیم، پولس سریعاً به موضوع تعالیم غلط در غلاطیه حمله کرد. او اظهار حیرت می‌کند و به مخاطبین خود هشدار می‌دهد که پیروی از معلمین کذب چقدر خطرناک است. پولس با صراحت و تحکم، اصرار کرد که رد تعالیم او به معنی پذیرش یک انجیل دروغین است. به لعن ترسناکی که او در ۱: ۸ بر معلمین کذب قرار می‌دهد گوش کنید:

حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد! (غلاطیان ۱: ۸).

پیروی از تعالیم معلمین کذب به معنای رد انجیل حقیقی مسیح و رد نجات بود. این بخش از نامه نشان می‌دهد که مشکلات در غلاطیه، ناچیز نبودند. سرنوشت ابدی غلاطیان در خطر بود.

روایات تاریخی

بخش سوم رساله، ۱: ۱۱-۲: ۲۱، دارای جزئیات بیشتری است. این بخش از چندین روایت تاریخی تشکیل شده است که پولس در هر کدام از آنها اقتدار خود را اثبات می‌کند. سه واقعه تاریخی مختلف در این فصول جای گرفته‌اند: خواندگی و تعلیم پولس در ۱: ۱۱-۱۷؛ ملاقات پولس با رهبران کلیسا در اورشلیم در ۲: ۱-۱۰؛ و مخالفت پولس با پطرس در انطاکیه سوریه در ۲: ۱۱-۲۱.

خواندگی و تعلیم

روایت خواندگی و تعلیم پولس توضیح می‌داد که او چطور از اقتدار ایستادگی در برابر ختنه غیر یهودیان برخوردار بود. این روایت با توضیح علاقه پولس به سنن اسرائیل آغاز می‌شود. به کلمات او در غلاطیان ۱: ۱۴-۱۳ گوش کنید:

سرگذشت سابق مرا در دین یهود شنیده‌اید... در دین یهود از اکثر همسالان قوم خود سبقت می‌جستم و در تقالید اجداد خود به غایت غیور می‌بودم (غلاطیان ۱: ۱۳-۱۴).

اما پولس همچنین توضیح داد که چطور رویکرد او عوض شد. علیرغم تعصب پیشین او نسبت به سنن یهودی، پولس در طول سفر خود به غلاطیه از غیر یهودیان نخواست که ختنه شوند. او چطور می‌توانست در حالی که بسیار به سنن اسرائیل متعهد بود، چنین کاری کند؟ به شهادت پولس در غلاطیان ۱: ۱۵-۱۸ گوش کنید:

چون خدا... رضا بدین داد که پسر خود را در من آشکار سازد تا در میان امتهای بدو بشارت دهم، در آن وقت با جسم و خون مشورت نکردم... به عرب شدم و باز به دمشق مراجعت کردم. پس بعد از سه سال... به اورشلیم رفتم (غلاطیان ۱: ۱۵-۱۸).

پولس به مدت سه سال در عربستان انجیل و آموزه‌های مسیحی را مستقیماً از خود مسیح آموخت. مخالفت او با ختنه غیر یهودیان نتیجه یک استدلال طبیعی یا ترجیح شخصی نبود. خود خداوند عیسی این دیدگاه‌های جدید را به پولس آموخته بود. مخالفت با پولس در این مورد، مخالفت با خود مسیح بود.

ملاقات با رهبران

دومین روایت تاریخی در این بخش از غلاطیان، در ۲: ۱-۱۰ یافت می‌شود و از ملاقات پولس با رهبران کلیسا در اورشلیم خبر می‌دهد. به زبان ساده، پولس چهارده سال بعد از ملاقات خصوصی پیشین خود با پطرس، با رهبران کلیسا در اورشلیم دیدار کرد. و در این دیدار، آنها رویکرد او دربارهٔ رساندن انجیل به غیر یهودیان را تایید کردند. به آنچه پولس در غلاطیان ۲: ۱-۹ ثبت کرده است گوش کنید:

بار دیگر... به اورشلیم رفتم... رفتنم در نتیجه دریافت مکاشفه‌ای بود. در آنجا انجیلی را که در میان غیر یهودیان موعظه می‌کنم بدیشان عرضه داشتم... پس چون یعقوب و پطرس و یوحنا... فیضی را که نصیب من شده بود مشاهده کردند، به من و برنابا دست رفاقت دادند و توافق شد که ما نزد غیر یهودیان برویم (غلاطیان ۲: ۱-۹).

پولس این داستان را به غلاطیان ارتباط داد تا آنان بتوانند ببینند که کار او در میان غیر یهودیان، در تناقض با تعالیم معتبر رهبران کلیسا در اورشلیم نبود. در حقیقت، رسولان دیگر موافق بودند که خدا نقش به‌خصوص انتشار

انجیل در دنیای غیر یهودیان را به پولس سپرده است. بنابراین، پولس کاملاً حق داشت که به سوال دربارهٔ ختنهٔ غیر یهودیان پاسخ بدهد.

مخالفت با پطرس

سومین روایت تاریخی پولس که در ۲: ۱۱-۲۱ یافت می‌شود، شرحی از مخالفت او با پطرس در انطاکیهٔ سوریه است. در زمانی پیش‌تر، پطرس آزادانه با ایمانداران ختنه نشده ارتباط داشت. با این حال، پطرس بعداً نگران نیکنامی خود در بین ایمانداران یهودی سخت‌گیر در اورشلیم شد. به همین دلیل، او خود را از ایمانداران ختنه‌نشده جدا کرد.

فارغ از اینکه پطرس در قلب خود به چه باور داشت، عمل او با این باور نادرست که ایمانداران غیر یهودی ختنه نشده در رتبهٔ پایین‌تری از ایمانداران یهودی قرار دارند، هم‌نوایی داشت. وقتی پولس متوجه این موضوع شد، با پطرس مقابله کرد و انجیلی که هر دوی آنها به آن باور داشتند را به او یادآوری کرد. غلاطیان ۲: ۱۵-۱۶ از سخنان پولس به پطرس در آن رویداد خبر می‌دهد:

ما که طبعاً یهود هستیم و نه گناهکاران از امت‌ها، اما چونکه یافتیم که هیچ کس از اعمال شریعت عادل شمرده نمی‌شود، بلکه به ایمان به عیسی مسیح، ما هم به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از ایمان به مسیح و نه از اعمال شریعت عادل شمرده شویم، زیرا که از اعمال شریعت هیچ بشری عادل شمرده نخواهد شد (غلاطیان ۲: ۱۵-۱۶).

پولس دربارهٔ این مخالفت با پطرس نوشت تا ثابت کند که حتی پطرس نیز اصلاح معتبر او در این مورد را پذیرفته است. اگر اقتدار پولس برای اصلاح رسول برجسته‌ای چون پطرس کافی بود، قطعاً برای اصلاح معلمین کذبۀ غلاطیه نیز کافی بود.

در این سه روایت از خواندگی و تعلیم، ملاقات با رهبران اورشلیم، و مقابله با پطرس، پولس ادعایی مقتدر در برابر معلمین کذبۀ غلاطیه قرار و از انجیل خویش دفاع کرد.

شواهد الهیاتی

پس از ارائهٔ این روایات تاریخی، پولس به چهارمین بخش رسالهٔ خود در ۳: ۱-۴: ۳۱ می‌رود. در این بخش او استدلال‌های الهیاتی بیشتری برای تعلیم خود دربارهٔ مبرا شمردگی به ایمان ارائه می‌دهد. این اصول با تناوبی بین تجربیات غلاطیان و آنچه از زندگی ابراهیم در کتاب مقدس ثبت شده است، به چهار قسمت تقسیم می‌شود. نخست، پولس به تجربهٔ اولیهٔ غلاطیان رجوع کرد. سپس، به روایت عهد عتیق از ایمان نجات‌بخش ابراهیم می‌رود.

سوم، پولس به تجربه کنونی ایمانداران غلطیه رجوع می‌کند. و چهارم، از داستان همسران و پسران ابراهیم استفاده می‌کند.

تجربیات اولیه

بیباید ابتدا نگاه کوتاهی به ۳: ۱-۵ بیندازیم که پولس بر تجربه اولیه غلاطیان از ایمان مسیحی تمرکز می‌کند. او این سخنان را در ۳: ۲-۵ نوشت:

فقط می‌خواهم این را بدانم: آیا روح را با انجام اعمال شریعت یافتید یا با ایمان به آنچه شنیدید؟ ... با روح آغاز کردید و اکنون می‌خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟ ... آیا خدا از آن جهت روح را به شما عطا می‌کند و معجزات در میان شما ظاهر می‌سازد که اعمال شریعت را به جا می‌آورد یا از آن رو که به آنچه شنیدید ایمان دارید؟ (غلاطیان ۳: ۲-۵).

پولس در مجموعه‌ای از سوالات فصیح، به اولین سفر بشارتی خود اشاره می‌کند. همانطور که باب‌های ۱۳-۱۴ اعمال به ما می‌گویند، وقتی پولس نخستین بار در میان غلاطیان بود، آنان برکات باورنکردنی بسیاری از روح‌القدس دریافت کردند. هم پولس و هم آنان می‌دانستند که این برکات روح‌القدس به خاطر به جای آوردن شریعت خدا جاری نشد. خدا این هدایا را به رایگان بخشیده بود چون آنها انجیل را باور کرده بودند. از این تجربه، غلاطیان می‌بایست آنقدر حکمت کسب می‌کردند که بدانند برکات خدا از طریق اطاعت از شریعت به دست نمی‌آید.

ایمان ابراهیم

بعد از اشاره به تجربه مسیحی اولیه آنها، پولس از نمونه ایمان نجات‌بخش ابراهیم استفاده می‌کند. او در ۳: ۶-۴: ۱۱ استدلال می‌کند که خدا ابراهیم را نه به خاطر اطاعت او از شریعت خدا، بلکه به خاطر ایمان او برکت داد. ابراهیم برکت نجات را از طریق تلاش‌های جسمی انسانی دریافت نکرد. استدلال پولس در این بخش نسبتاً پیچیده است، اما شاید بتوان آن را در پنج مرحله خلاصه کرد.

نخست، پولس اشاره کرد که ابراهیم با ایمان به وعده خدا مبنی بر اینکه پسری خواهد داشت، مبرا یا بی‌گناه شمرده شد. در ۳: ۶-۷ پولس اینطور به خدا پیدایش ۱۵: ۶ اشاره می‌کند:

در این مورد بگذارید «ابراهیم» را مثال بیاورم: خدا زمانی او را بی گناه به حساب آورد که به وعده‌های او ایمان آورد. از اینجا به این نکته پی می‌بریم که در نظر خدا، فقط ایمان ما مطرح است. در نتیجه، فرزندان واقعی ابراهیم آنانی هستند که به خدا ایمان حقیقی دارند (غلاطیان ۳: ۶-۷، ترجمه تفسیری).

از نقطه نظر پولس، پیدایش ۱۵: ۶ روشن می‌کند که ابراهیم با ایمان خود به کلام خدا مبرا شمرده شد، نه بر اساس ختنه‌اش که سال‌ها بعد انجام شد. بر این اساس، پولس نتیجه گرفت که فرزندان حقیقی ابراهیم آنانی بودند که از نمونه او در اعتماد به وعده‌های خدا برای نجات پیروی کردند. نجات برکتی بود که از طریق ایمان حاصل می‌شد، و نه با ختنه.

دوم، به خاطر مشاجراتی که از وضعیت غیر یهودیان ختنه نشده برآمده بود، پولس به این نکته اشاره می‌کند که خدا به ابراهیم گفت که برکت نجات از طریق او به غیر یهودیان خواهد رسید. پولس در غلاطیان ۳: ۸-۹، اینطور به پیدایش ۱۲: ۳ اشاره می‌کند:

کتاب چون پیش دید که خدا امت‌ها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که «جمیع امت‌ها از تو برکت خواهند یافت.» بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایمان دار برکت می‌یابند (غلاطیان ۳: ۸-۹).

پولس متوجه شده بود که پیدایش ۱۲: ۳ تعلیم می‌دهد که زمانی وعده داده شده بود که امت‌ها در سراسر دنیا برکت خدا را دریافت می‌کردند. این برکت به همان شکلی به تمام ملت‌ها می‌رسید که از طریق ایمان به ابراهیم رسید. سوم، پولس می‌خواست غلاطیان درک کنند که این تقطیع خونین جسم یک نماد از لعنتی بود که آنها به برای خود می‌خریدند، نه راهی برای کسب عدالت. معنای ختنه این بود که «اگر به عهد وفادار نمانم، از زمین زندگان منقطع شوم.» مسیح دقیقاً به همین خاطر آمد چون هیچکس دیگری قادر نبود طبق آن معیار زندگی کند. همانطور که پولس در غلاطیان ۳: ۱۳ می‌گوید:

مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد (غلاطیان ۳: ۱۳).

مسیح با آویخته شدن بر صلیب - مرگی ملعون و ننگین‌ترین در فهم یهودیان - لعنت مهیب گناه را بر خود گرفت. لازم بود غلاطیان درک کنند که برکات وفاداری به عهد، با ایمان از آن آنان بود چون مسیح به خاطر آنان لعنت را بر خود گرفته بود.

چهارم، پولس با این استدلال که شریعت موسی، نمونه ابراهیم را تغییر نمی‌دهد، فرصت اعتراض را از معلمین کذب می‌گیرد. همانطور که او در غلاطیان ۳: ۱۷-۱۹ می‌گوید:

شریعتی که چهارصد و سی سال بعد آمد، عهدی را که خدا پیشتر بسته بود لغو نمی‌کرد... پس مقصود از شریعت چه بود؟ شریعت به سبب نافرمانی‌ها افزوده شد، آن هم تنها تا زمانی که آن "نسل" که وعده به او اشاره داشت، بیاید (غلاطیان ۳: ۱۷-۱۹).

از نقطه نظر پولس، شریعت بخشیده نشده بود تا آنطور که معلمین کذب غلطیه تعلیم می‌دادند، مردم را قادر سازد که از طریق اعمال برکت خدا را به دست آورند. شریعت موسایی اضافه شده بود تا با گناهکاری اسرائیل روبرو شود، و تا آنان را برای مسیح آماده کند. پنجم، پولس اعلام کرد که برکت خدا فقط به آنانی رسید که به پسر مخصوص ابراهیم که مسیح نامیده می‌شود، تعلق داشته باشند. همانطور که پولس در غلاطیان ۳: ۱۶، ۲۹ نوشت:

وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی‌گوید «به نسل‌ها» که گویا درباره بسیاری باشد، بلکه درباره یکی و «به نسل تو» که مسیح است... اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید (غلاطیان ۳: ۱۶، ۲۹).

وقتی پولس آنچه در پیدایش ثبت شده بود را می‌خواند، متوجه شد که کلمه عبری زرا (zera) که اینجا «نسل» ترجمه شده است مفرد بود، نه جمع. میراث ابراهیم به تمام فرزندان او به عنوان افراد نمی‌رسید، بلکه در درجه اول، به پسر ابراهیم می‌رسید که راس نمایندگی آنانی بود که از او سرچشمه می‌گرفتند. و در نور مکاشفه مسیح، پولس می‌دانست که مسیح نواده اعظم ابراهیم است که آخرین راس نمایندگی قوم خدا در کل تاریخ بود. مسیح آن یگانه نسل است که وارث تمام وعده‌های ابراهیم شد، و افراد تنها با تعلق به او می‌توانند در این میراث سهیم شوند.

پولس از این طرق استدلال کرد که میراث شمردگی یا در ترجمه قدیم کتاب مقدس «عادل شمردگی» فقط به آنانی بخشیده می‌شود که از نمونه ابراهیم پیروی کنند و برکات ابراهیم را از طریق پسر او دریافت کنند؛ نجات از طریق ایمان به وعده‌های خدا است و نه انجام اعمال شریعت.

تجربه کنونی

پس از رجوع به تجربه اولیه نجات غلاطیان و روایت کتاب مقدسی از ایمان ابراهیم، پولس به تجربه کنونی غلاطیان در ۴: ۱۲-۲۰ اشاره می‌کند. گوش کنید او در ۴: ۱۵-۱۶ چه نوشت:

پس کجاست آن شور و شغف شما؟ ... آیا اکنون چون حقیقت را به شما می‌گویم دشمنان شده‌ام؟ (غلاطیان ۴: ۱۵-۱۶).

در اینجا پولس نگرانی عمیق خود برای سلامتی روحانی غلاطیان را ابراز می‌کند؛ او می‌خواست آنها به وضعیت درمانده روحانی خود پی ببرند. غلاطیان با دور شدن از انجیل، شور و شادی خود را از دست داده بودند؛ میوه روح القدس که می‌بایست از آن لذت می‌بردند. همین فقدان کافی بود که غلاطیان متوجه این حقیقت بشوند که تعالیم مخالفین پولس ایراد دارد.

همسران و پسران ابراهیم

چهارمین راهی که پولس درباره ادعای خود در برابر معلمین کذب استدلال می‌کند، با تمرکز بر ثبت کتاب مقدس از همسران و پسران ابراهیم در غلاطیان ۴: ۲۱-۳۱ است. پولس توضیح می‌دهد که در پیدایش باب ۱۵، خدا به ابراهیم نسلی از طریق همسرش سارا وعده می‌دهد. اما سارا نازا بود و سن بچه‌دار شدن نیز از او گذشته بود؛ بنابراین، برای اینکه نسلی از طریق او حاصل شود، لازم بود ابراهیم به وعده خدا ایمان داشته باشد. با ایمان به خدا برای تحقق وعده‌اش، سارا صاحب پسری به نام اسحاق شد. اسحاق، فرزند سارا، فرزند وعده بود، و پذیرفته شده به عنوان نسل ابراهیم و نماینده تمام ایمانداران.

اما، همانطور که پیدایش باب ۱۶ به ما می‌گوید، پیش از آنکه اسحاق متولد شود، ابراهیم از انتظار برای خدا که فرزند وعده را به او ببخشد، خسته شد. بنابراین، او به کنیز سارا، هاجر، روی آورد تا پسری داشته باشد. با این عمل، ابراهیم کوشید تا با تلاش‌های انسانی و جسمانی، نسبت به ادامه نسل خود اطمینان حاصل کند. هاجر، اسمائیل را برای ابراهیم آورد، اما اسمائیل فرزند جسم بود. خدا او را به عنوان نسل ابراهیم رد کرد و او نماینده تمام آنانی شد که جسم را راهی برای نجات می‌بینند. پولس بعد از ترسیم این تضاد در بین همسران و فرزندان ابراهیم، اینگونه در غلاطیان ۴: ۳۱ نتیجه‌گیری می‌کند:

خلاصه ای برادران، فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زن آزادیم (غلاطیان ۴: ۳۱).

ایمان به وعده خدا راه نجات برای مسیحیان است، درست همانطور که به خاطر ایمان ابراهیم، اسحاق از سارا متولد شد. مانند زمان ابراهیم، ایمانداران در هر دوره‌ای از راه ایمان به وعده‌های خدا مبرا شمرده شده، داخل خانواده‌ی الهی گشته، و قدرت می‌یابند؛ نه به لیاقت خودشان.

دیدیم که پولس برای توضیح اینکه ایمانداران تمام برکات خدا را تنها از طریق ایمان دریافت می‌کنند، چهار استدلال اساسی ارائه داد. او از تجربه‌ی اولیه‌ی غلاطیان از نجات، ایمان ابراهیم، فقدان اخیر شور و شغف، و از روایت همسران و پسران ابراهیم استدلال کرد.

نصایح عملی

با در نظر داشتن محتوای باب‌های ۱-۴، در موقعیتی هستیم که نصایح ۵: ۱-۶: ۱۰ را خلاصه کنیم. در این فصول، پولس به چندین مشکل عملی که معلمین کذب در غلطیه به وجود آورده بودند، اشاره می‌کند. پولس سخنان بسیاری داشت که در این آیات بگوید، اما می‌توانیم اینجا افکار او را تحت سه عنوان خلاصه کنیم: آزادی مسئولانه در مسیح، در ۵: ۱-۱۵؛ قدرت روح‌القدس، در ۵: ۱۶-۲۶؛ و داوری خدا، در ۶: ۱-۱۰. بیایید ابتدا به تاکید پولس بر آزادی مسئولانه در مسیح نگاه کنیم.

آزادی در مسیح

در ۵: ۱-۱۵، پولس غلاطیان را فرا می‌خواند تا به آزادی‌شان در مسیح وفادار بمانند. موضع او به دقت متعادل شده است. در درجه‌ی نخست، او بر لزوم حفظ آزادی مسیحی تاکید می‌کند. به سخنان او در ۵: ۱ گوش کنید:

مسیح ما را آزاد کرد تا آزاد باشیم. پس استوار بایستید و خود را بار دیگر گرفتار یوغ بندگی مسازید (غلاطیان ۵: ۱).

پولس در جریان اولین سفر بشارتی خود، غیریهودیان را آزاد از بندها، به ایمان مسیحی رهنمون شد، و می‌خواست آنها آزاد باقی بمانند چون بندهای شریعت‌گرایی بسیار خطرناکند. همانطور که او در غلاطیان ۵: ۲-۳ نوشت:

اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفع ندارد. بلی، باز به هرکس که مختون شود شهادت می‌دهم که مدیون است که تمامی شریعت را به جا آورد (غلاطیان ۵: ۲-۳).

معلمین کذب در غلاطیه، یک نظام شریعت‌گرا برای مبرا شمردگی معرفی کرده بودند. آنان به مسیحیان تعلیم داده بودند تا به جای تکیه بر مسیح، بر اطاعت خود از شریعت تکیه کنند. اما در انجام این کار، آنان در حقیقت مسیحیان غیریهودی را موظف به معیاری کردند که حفظ آن غیر ممکن بود - یعنی اطاعت از تمام شریعت. انتخاب آنها بین آزادی در مسیح و اسارت در شریعت بود. یکی به نجات منتهی می‌شد و دیگری به داوری. با اینحال، پولس در وهله دوم، دفاع خود از آزادی مسیحی را با تصدیق مسئولیت اخلاقی مسیحی متعادل می‌کند. او به غلاطیان هشدار می‌دهد تا از آزادی مسیحی خود از سنن یهودی به عنوان مجوزی برای عدم توجه به قانون اخلاقی خدا استفاده نکنند. او در ۵: ۱۳ نوشت:

شما ای برادران به آزادی خوانده شده‌اید؛ اما زنه‌ار آزادی خود را فرصت جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت کنید (غلاطیان ۵: ۱۳).

مسیح، مسیحیان غلاطیه را از اسارت شریعت به عنوان ابزار مبرا شمردگی و قدرت برای زندگی عادلانه یا مبرا آزاد کرده بود، اما او همچنان خواستار آن بود که آنها از دستورات خدا پیروی کنند. پولس نمی‌خواست که غلاطیان فکر کنند آزادی آنان از ختنه شامل آزادی برای نقض شخصیت مقدس خدا که اساس شریعت بود، نیز می‌شود.

قدرت روح

پولس پس از این راهنمایی دو لایه درباره اهمیت آزادی در مسیح و زندگی عادلانه، به اهمیت قدرت روح‌القدس در غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶ اشاره می‌کند. اگر نه به شریعت‌گرایی و تلاش‌های انسانی، پس غلاطیان چگونه می‌توانستند برای مقاومت در برابر گناه قدرت بیابند؟ در یک کلام، پولس پاسخ داد که هر ایمانداری باید برای رهبری و توانمندی، به جای جسم بر روح‌القدس تکیه کند. گوش کنید که او چگونه این موضوع را در غلاطیان ۵: ۱۶ و ۲۵ عنوان می‌کند:

اما می‌گوییم به روح رفتار کنید، پس شهوات جسم را به جا نخواهید آورد... اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم (غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵).

از نقطه نظر پولس، تنها راه برای یک زندگی مقدس در مسیح، پیروی و وابستگی به روح خدا بود. همیشه مهم است به یاد داشته باشیم که پولس هرگز روح‌القدس را فرا یا مقابل کتاب‌مقدس قرار نداد. برای پولس، زندگی با روح نمی‌توانست جدا از مکاشفه مکتوب باشد. روح خدا همیشه قوم خدا را به سوی زندگی

مبتنی بر کلام مکتوب خدا راهنمایی کرد که در عهد قدیم آشکار شده بود و به تدریج در نامه‌های پولس و دیگر نوشتجاتی که بعداً عهد جدید نامیده شدند آشکار می‌شد. اما زندگی با روح پیروی صرف از تعالیم متون مکتوب نبود؛ بلکه همچنین شامل یک وابستگی هوشیارانه به قدرت روح خدا برای تحقق آنچه خدا فرمان داده بود نیز می‌شد. اگر مسیحیان به روح برای تولید میوه عدالت در زندگی‌شان تکیه کنند، موردی برای ترس از خدا ندارند.

داوری الهی

در وهله سوم، پولس این مسائل عملی را با صحبت درباره داوری خدا خلاصه می‌کند. به هشدار جدی او در ۶: ۷-۹ گوش کنید:

خود را فریب مدهید، خدا را استهزا نمی‌توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. زیرا هر که برای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند و هر که برای روح کارد از روح حیات جاودانی خواهد دروید. لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر ملول نشویم (غلاطیان ۶: ۷-۹).

پولس عمیقاً نگران سرنوشت غایی غلاطیان بود. او می‌دانست که ایمانداران حقیقی در مسیح هرگز نمی‌توانند نجات خود را از دست بدهند. اما او همچنین می‌دانست نه هر آنکه اعتراف به ایمان می‌کند، حقیقتاً ایمان نجات‌بخش دارد. بنابراین، او به کلیساهای غلطیه هشدار داد که داوری آینده خدا را فراموش نکنند. او امیدوار بود که این هشدار آنان را تشویق کند تا برای نجات بر مسیح و روح‌القدس تکیه کنند.

از این بررسی اجمالی رساله پولس به غلاطیان می‌توانیم ببینیم که او معلمین کذب در غلطیه را به طرق متعددی تکذیب کرد. او عمیقاً غلاطیان را با ارجاعات شخصی متعهد کرد و آنان را دعوت کرد تا به انجیل حقیقی ایمان داشته باشند، و بنا بر آن انجیلی زندگی کنند که او سال‌ها پیش به آنان موعظه کرده بود. به طور خلاصه، پولس غلاطیان را تشویق کرد که معلمین کذب را رد کنند و دوباره، انجیل میرا شمردگی به ایمان سوای اعمال را در آغوش بکشند.

تا به اینجا، پیش‌زمینه نامه پولس به کلیساهای غلطیه و محتوای اصلی رساله او را بررسی کردیم. اکنون می‌خواهیم به سومین موضوع مان نگاه کنیم: کتاب غلاطیان چگونه دیدگاه‌های محوری الهیات پولس را منعکس می‌کند؟

دیدگاه‌های الهیاتی

از درس نخست در این مجموعه دروس به یاد می‌آورید که ما باید بین تعالیم خاص در نامه‌های پولس و نظام الهیاتی اساسی او تمایز قائل شویم. پولس مکرراً معلمین کذب در غلاطیه را برای اینکه مسیحیان غیریهودی را به تبعیت از ختنه می‌خواندند، اصلاح کرد و زمان زیادی برای بحث دربارهٔ ختنه و میرا شمردگی به ایمان صرف نمود.

بیانات مستقیم پولس دربارهٔ ختنه و نجات، در حقیقت بیشتر بیان اعتقادات الهیاتی اساسی بودند. تعالیم او در کتاب غلاطیان، کاربردی از دیدگاه‌های آخرت‌شناسانه محور او بود. به یاد می‌آورید که چگونه پولس رسول تعلیم داد عصر عالی آینده با مرگ و رستاخیز مسیح آغاز شده بود، اگرچه گناه و مرگ تا بازگشت ثانوی مسیح در جلال، کاملاً از بین نمی‌رفتند. این به آن معناست که مسیحیان در عصری زندگی می‌کنند که ما آن را «هم‌اینک و نه هنوز» می‌خوانیم؛ زمانی که عصر گناه و مرگ و عصر نجات ابدی در کنار یکدیگر حضور دارند.

اما این حقیقت که عصر حاضر و عصر آینده همزمان وجود دارند، باعث ازدیاد برخی سوءتفاهمات و خیم در غلاطیه شد. پولس باور داشت که اختلافات نظر غلاطیان دربارهٔ ختنه، میرا شمردگی و مسائل مشابه، در واقع علائم مشکلی اساسی‌تر بودند. انحراف بنیادی‌تر در غلاطیه این بود که معلمین کذب جداً میزانی که مسیح از طریق مرگ و قیام خویش، عصر آینده را آورده بود، دست‌کم گرفته بودند. آنها در تشخیص اینکه چقدر از عصر آینده هم‌اکنون حاضر بود، ناتوان بودند. در نتیجه، می‌توانیم این تعلیم غلط را «آخرت‌شناسی ناقص» بنامیم؛ به این معنی که دیدگاه‌های آنها اهمیت آمدن اولیهٔ مسیح را تقلیل می‌داد.

اکنون، از یک سو پولس «آخرت‌شناسی ناقص» معلمین کذب را در تمام قسمت‌های کتاب غلاطیان مورد حمله قرار داد. اما بر شش موردی متمرکز خواهیم شد که پولس به وضوح دیدگاه‌های محوری الهیاتی خود را در مورد این مشکل به کار بست: نخست، توصیف او از مسیح؛ دوم، تمرکز او بر انجیل؛ سوم، شریعت موسی؛ چهارم، آموزهٔ اتحاد با مسیح؛ پنجم، تأکید او بر روح‌القدس در زندگی مسیحی؛ و ششم، رجوع نهایی او به آموزهٔ خود دربارهٔ خلقت جدید.

مسیح

رجوع پولس به آموزهٔ خود دربارهٔ روزهای آخر، در توصیف او از مسیح در مقدمهٔ کتاب غلاطیان آشکار شد. گوش کنید که پولس چگونه عیسی را در غلاطیان ۱: ۳-۴ توصیف می‌کند:

فیض و سلامتی بر شما باد، از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح که جان خود را در راه گناهان ما داد تا ما را به اراده خدا و پدر ما، از عصر شریر حاضر رهایی بخشد (غلاطیان ۱: ۳-۴).

دقت کنید که پولس به سادگی برای غلطیان برکات از پدر و مسیح را آرزو نکرد. در عوض، او توجهات را به هدفی جلب کرد که پدر برای آن مسیح را فرستاد. آنطور که او در اینجا می‌گوید، عیسی فرستاده شد تا «ما را از این عصر شریر حاضر» نجات دهد.

اصطلاح «عصر شریر حاضر» با اصطلاحات معیار یهودی که با آن آشنا هستیم مطابقت دارد. «عصر شریر حاضر» مترادف است با «عصر حاضر» - عصر گناه و داوری پیش از آمدن ماشیح. پولس، مسیح را اینگونه توصیف کرد چون می‌خواست در ابتدای نامه خود اشاره کند که غلطیان، دیدشان نسبت به دلیل آمدن مسیح به این زمین را از دست داده بودند، یعنی انتقال مسیحیان به عصر آینده.

معلمین کذبه در غلطیه باعث شده بودند بسیاری از ایمانداران دید خود را نسبت به تغییرات عظیمی که مسیح در جهان ایجاد کرده بود، از دست بدهند. این مسئله به خصوص در این حقیقت مشهود بود که معلمین کذبه بر بازگشت خود به ختنه، به عنوان نشان قدیمی عهد، اصرار داشتند. ایمان مسیحی تعلیم داد که عیسی به این زمین آمد تا ایمانداران را از این عصر و روش‌های قدیمی‌اش نجات بخشد. انکار این حقیقت در نگره یا عمل، به معنای انکار ماهیت ایمان مسیحی بود.

انجیل

دومین راهی که پولس نگرانی خود نسبت به آخرت‌شناسی ناقص غلطیان را آشکار کرد، با توضیح اختلاف نظرش با معلمین کذبه درباره انجیل بود. گوش کنید پولس چطور این موضوع را در ۱: ۶-۷ خلاصه می‌کند:

تعجب می‌کنم که... بر می‌گردید به سوی انجیلی دیگر، که انجیل دیگر نیست (غلاطیان ۱: ۶-۷).

می‌توانیم مطمئن باشیم که معلمین کذبه در غلطیه از صحبت درباره عیسی باز نایستاده بودند. آنها همچنان ادعا می‌کردند که مسیحی هستند. پس چرا پولس پیام آنان را انجیلی متفاوت می‌خواند یا اصلاً انجیل نمی‌دانست؟

برای درک اهمیت این گفته، باید به یاد بیاوریم که اصطلاح «انجیل» یا آنطور که گاهی «خبر خوش» ترجمه می‌شود، از کلمه یونانی «یوانگلیون» (euangelion) می‌آید. این واژه یونانی عهد جدید بر اساس اصطلاح

عبری مِبَاسِر (mebaser) در عهد عتیق بود، به خصوص آنطور که در کتاب اشعیا استفاده شده بود. به سخنان اشعیای نبی در اشعیا ۵۲: ۷ گوش کنید:

چه زیباست پاهای پیک خوش خبری که از کوهستان می‌آید و خبر صلح و نجات را می‌آورد و به اسرائیل می‌گوید: «خدای تو سلطنت می‌کند!» (اشعیا ۵۲: ۷؛ ترجمه تفسیری)

در این بخش، اشعیا از زمانی صحبت می‌کند که تبعید اسرائیل در عهد عتیق به پایان می‌رسد. و او از اصطلاح «خبر خوش» برای توصیف اعلان پایان اسارت، اینکه خدا سلطنت خویش را در تاریخ بشر برقرار کرده بود، و آغاز داوری خدا بر دشمنانش و برکت قومش استفاده کرد. همانطور که اشعیا اینجا گفت، خبر خوش نجات این است که «خدای تو سلطنت می‌کند». این سلطنت خدا بعد از تبعید، آن است که عهد جدید «ملکوت خدا» می‌خواند که همچنین اصطلاح دیگری برای «عصر آینده» است.

بنابراین وقتی پولس می‌گوید که معلمین کذب هیچ انجیلی نداشتند، منظورش این بود که آنان انکار می‌کردند که مسیح عصر آینده را آورده است؛ یعنی عصر نجات و عصر ملکوت خدا. معلمین کذب، با تعلیم ختنه و اشاره به مبرا شمردگی با اعمال شریعت، اهمیت حقیقی آمدن اول مسیح را رد کردند. آنها هیچ انجیل یا خبر خوشی برای ارائه نداشتند چون باور نکردند که مسیح، ملکوت خدا یا عصر آینده را به هیچ شکل قابل توجهی آورده باشد. در اینجا دوباره پولس درک کرده بود که ریشه مشکل در غلطیه این بود که معلمین کذب یک آخرت‌شناسی ناقص داشتند. انجیل مسیحی اعلان این است که مسیح قطعاً ملکوت خدا را به زمین آورده است؛ او عصر آینده را معرفی کرد.

شریعت

راه سومی که آخرت‌شناسی پولس بر نامه او به غلاطیان تاثیر گذاشت، در ارزیابی وی از شریعت موسایی بود. پولس چندین بار در این نامه به موضوع شریعت اشاره کرد، اما در باب ۳ او به وضوح به هدف شریعت در رابطه با عصر حاضر و عصر آینده پرداخت.

دیدیم که دریافت برکات خدا به ایمان، آموزه جدیدی نبود که پولس به بشارت میان غیریهودیان اضافه کرده باشد. در سراسر کتاب مقدس، ایمان همیشه راه نجات بوده است. اما تاکید پولس بر ایمان، یک سوال جدی به وجود آورد: اگر برکات خدا برای یهودیان و غیر یهودیان همیشه تنها از طریق ایمان بوده است، پس هدف شریعت موسی چه بود؟ چرا خدا شریعت موسایی را به اسرائیل داده بود؟ پولس در ۳: ۱۹ به این سوالات پاسخ داد:

پس مقصود از شریعت چه بود؟ شریعت به سبب نافرمانی‌ها افزوده شد، آن هم تنها تا زمانی که آن نسل که وعده به او اشاره داشت، بیاید (غلاطیان ۳: ۱۹).

دقت کنید پولس چگونه عنوان کرد. شریعت «به سبب نافرمانی‌ها» داده شد و «تا زمانی که آن نسل... بیاید.» در نگاه اول، شاید به نظر برسد که پولس وقتی به ارتباط اخلاقی شریعت موسی نمی‌گذارد و آن را به عصر پیش از آمدن مسیح می‌سپارد. چندین بخش در غلاطیان نشان می‌دهند که اینگونه نبود. پولس در غلاطیان ۵: ۱۴ به لایوان ۱۹: ۱۸ رجوع می‌کند تا توضیح دهد که چرا ایمانداران باید در پی محبت باشند:

تمامی شریعت در یک کلمه خلاصه می‌شود یعنی در اینکه همسایه خود را چون خویشتن محبت نما (غلاطیان ۵: ۱۴).

رجوع مشابهی به شریعت در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ دیده می‌شود. چنانکه او در آنجا بیان می‌کند:

ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعت مانع چنین کارها نیست (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

اما اگر پولس به مسیحیان تعلیم نمی‌داد که شریعت موسی را دور بیندازند، پس چرا او در غلاطیان ۳: ۱۹ نوشت که شریعت «به سبب نافرمانی‌ها» داده شده بود و تنها «تا زمانی که آن نسل... بیاید» اعتبار داشت؟ برای پاسخ به این سوال، خوب است به یاد بیاوریم که مشکل در غلاطیه این بود که معلمین کذب تعلیم داده بودند که شریعت حتی از آنچه در اصل بود نیز بهتر بود؛ آنان تعلیم دادند که اطاعت از شریعت راه دریافت نجات از خدا بود. اما پولس تعلیم داد که خدا همیشه قوم خود را از طریق ابزار ایمان برکت داده است. به همین خاطر است که او در ۳: ۱۹ گفت که شریعت «به سبب نافرمانی‌ها افزوده شد.» شریعت برقرار نشده بود تا قوم خدا را نجات بدهد یا آنان را برای زندگی عادلانه توانمند کند؛ برقرار شده بود تا گناه آنان را آشکار کند.

اما این کارکرد مهم شریعت در نقشه خدا تا زمانی بود «که آن نسل... بیاید» و این تا زمانی بود که مسیح آمد. شریعت موسایی بخشیده شده بود تا مردان و زنان را به خاطر گناهان‌شان محکوم کند. اما اقتدار شریعت برای محکومیت، موقت بود. حال که مسیح آمده است، عصر جدیدی را آغاز کرده، و چون ایمانداران با مسیح متحد هستند، به سوی عصر آینده هدایت شده‌اند. و در عصر آینده، اقتدار شریعت برای محکومیت، ملغی شده است. پیروان حقیقی مسیح از محکومیت شریعت آزاد هستند.

اتحاد با مسیح

چهارمین طریقی که نوشته‌های پولس بر دیدگاه‌های محوری او حول آخرت‌شناسی تکیه زدند، با تمرکز بر اتحاد ایمانداران با مسیح بود. معلمین کذب، غلاطیان را تشویق کردند که به نجات‌شان به عنوان مسئله‌ای شخصی فکر کنند. تمرکز آنها بر ختنه و الزامات شریعت موسایی، نجات را به تلاشی شخصی برای زندگی عادلانه و دریافت مبرا شمردگی به طور ضمنی از طریق اطاعت شریعت، تقلیل داده بود. در عمل، مردان، زنان، و کودکان وا گذارده شده بودند تا بر اساس شایستگی فردی خود در حضور خدا بایستند.

اما پولس پافشاری کرد که نه مبرا شمردگی و نه زندگی عادلانه، هیچکدام نمی‌توانند از این طریق به دست بیایند. مبرا شمردگی و زندگی عادلانه می‌بایست از طریق اتحاد با مسیح می‌آمدند. پولس این موضوع را در غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹ اینگونه بیان می‌کند:

زیرا همگی شما به وسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می‌باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در بر گرفتید. هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می‌باشید. اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هرآینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹).

در حقیقت، معلمین کذب در غلطیه تعلیم دادند که بعضی ایمانداران در کلیسا بهتر از دیگران بودند چون همه بر اساس شایستگی‌های فردی خودشان در حضور خدا می‌ایستادند یا می‌افتادند. اما آنان اشتباه می‌کردند. حقیقت این است که ما «مسیح را در بر» گرفتیم و «در مسیح عیسی» هستیم. چون از این طریق با مسیح متحد هستیم، خدای پدر آنگونه به مسیحیان نگاه می‌کند که گویی آنان خود مسیح هستند. و چون مسیح کاملاً مقدس و عادل و مبرا است و شایسته تمام برکات ابراهیم، خدا ما را نیز عادل و مقدس و مبرا و شایسته برکات ابراهیم می‌بیند. یک بار دیگر، دیدگاه پولس از آخرت‌شناسی او بر می‌خیزد. پولس تعلیم داد که گذار از این عصر داوری به عصر برکت آینده، از طریق زندگی، مرگ، و قیام مسیح اتفاق می‌افتد. مسیح با اطاعت خود از شریعت، الزامات شریعت را برای تمام ایمانداران محقق کرد. مسیح با مرگ خود به جای ایمانداران - یعنی از طرف آنان متحمل لعنت شریعت شدن - الزام شریعت به مجازات گناه با مرگ را محقق ساخت. با قیام خود از طرف ایمانداران، مسیح و تمام آنانی که او برای آنها مُرد، از سوی پدر واجد شرایط و لایق جلال شمرده شدند. در نتیجه، وقتی ایمانداران با مسیح متحد هستند، خدا به آنان چنان می‌نگرد که گویی آنان خود مسیح هستند و بر این اساس، آنان را با مسیح مُرده به لعنت شریعت و با مسیح برخاسته در حیات جدید عصر آینده می‌انگارد.

پیروی از معلمین کذبۀ غلاطیه، انکار این نقش مرکزی مسیح به عنوان وارث وعده‌های ابراهیم بود؛ ملزم ساختن تمام افراد به تعاقب برکت زندگی عادلانه با تلاش‌های انسانی خودشان بود. اما نگاه پولس به مسیح، به عنوان نسل ابراهیم که تمام جوانب نجات از طریق او می‌آیند، روشن می‌ساخت که ایمانداران برکات خدا را تنها در صورتی دریافت می‌کنند که به مسیح پیوسته باشند.

روح القدس

پنجمین راهی که آخرت‌شناسی پولس، راهنمای نوشته‌های او به غلاطیان شد، در مباحثه او درباره نقش روح القدس در زندگی مسیحی بود. در حقیقت، نقش روح القدس یکی از افکار اصلی‌ای بود که پولس در زمان نگارش این نامه در ذهن داشت. می‌توان این تاکید را در اولین توصیف پولس از تعلیم غلط در غلاطیه دید. به آنچه او در غلاطیان ۳: ۱-۳ نوشت گوش کنید:

ای غلاطیان نادان! چه کسی شما را افسون کرده است؟... آیا تا این حد نادانید که با روح آغاز کردید و اکنون می‌خواهید با تلاش انسانی به مقصد برسید؟ (غلاطیان ۳: ۱-۳).

پولس از این در شگفت بود که غلاطیان، که حیات مسیحی خود را با تکیه بر روح القدس آغاز کرده بودند، به گونه‌ای اغوا شده بودند تا بر تلاش‌های انسانی خودشان تکیه کنند.

قسمتی که پولس توجهات را به تضاد بین کار روح القدس و کار تلاش جسمی انسانی جلب می‌کند، در غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶ بود. او در آن بخش تضادی سخت میان جسم و روح القدس ایجاد کرد. پولس اعمال ذات گناهکار، یا تلاش جسمی انسانی را در برابر میوه روح قرار داد. در غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ او فهرست اعمال جسم را ذکر کرد که شامل: بی‌عفتی، ناپاکی، هرزگی، بت‌پرستی و جادوگری، دشمنی، ستیزه‌جویی، رشک، خشم، جاه‌طلبی، نفاق، دسته‌بندی، حسد، مستی، و عیاشی می‌شود. اما در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ او میوه روح را فهرست‌وار چنین ذکر می‌کند: محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری.

معلمین کذبۀ می‌خواستند مردم باور کنند که با تلاش جسمی انسانی، می‌توانند به ختنه تسلیم شوند، و برای زندگی عادلانه قدرت بیابند. اما همانطور که پولس در اینجا نشان داد، تنها چیزی که تلاش انسانی می‌توانست تولید کند، گناه بود. یوئیل ۲: ۲۸ نبوتی است که به وضوح بیان می‌کند طی عصر آینده، خدا روح خود را به گونه‌ای خواهد بخشید که در عهد قدیم انجام نداده بود:

پس از آن، روح خود را بر تمامی بشر فرو خواهیم ریخت؛ پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران تان خوابها و جوانان تان رویاها خواهند دید (یوئیل ۲: ۲۸).

روح القدس حتی پیش از آنکه مسیح بیاید نیز با ایمانداران حاضر بود و آنان را قدرت می‌بخشید تا به خدا وفادار بمانند. اما در آن زمان، پُری عظیم‌تر و عطایای مخصوص او، با چند استثنا، مختص تعداد محدودی از افراد مانند انبیا و کاهنان و پادشاهان بود. در این معنا، حضور روح القدس در عهد قدیم کمتر چشمگیر و قاطع بود. اما یوئیل نبوت کرد که در عصر آینده روح القدس بر تمام گروه‌ها و طبقات ایمانداران نازل می‌شد. و آنچه‌آن که در باب ۲ اعمال می‌آموزیم، نبوت یوئیل از روز پنتیکاست شروع به تحقق کرد. در آن زمان، خدا شروع به نزول روح خود به تمام قومش به شکلی چشمگیر نمود که نشان می‌داد امید عصر آینده تبدیل به واقعیت شده است.

اما در غلاطیه، معلمین کذب به غلاطیان آموخته بودند تا برای زندگی عادلانه به تلاش‌های انسانی خود متکی باشند که نشان می‌داد آنان منکر عطایای بی‌شمار روح القدس و توانبخشی او در دوران عهد جدید شدند. آنان از تشخیص برکت عظیم روح القدس که مسیح با آغاز عصر آینده، ارمغان آورده بود، ناتوان بودند. در مقابل، پولس به غلاطیان یادآوری کرد آنانی که به مسیح تعلق دارند، از روح القدس در کمال قدرت او برخوردارند. وقتی پیروان مسیح به قدرت روح تکیه می‌کنند، او در آنها عمل می‌کند تا میوه عدالت را تولید کند.

خلقت جدید

آخرین مکانی که می‌توانیم تکیه سنگین پولس بر آموزه روزهای آخر را ببینیم، در رجوع او به اندیشه خلقت جدید است. این آموزه در موخره رساله او دیده می‌شود. گوش کنید که او چطور در ۶: ۱۵-۱۶ از آن صحبت می‌کند:

نه ختنه چیزی است و نه ختنه‌ناشدگی؛ آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است. همه آنان را که از این اصل پیروی می‌کنند، و اسرائیل خدا را، سلامتی و رحمت باد (غلاطیان ۶: ۱۵-۱۶).

از بسیاری جهات، این کلمات تمام نقطه نظری که در کتاب غلاطیان ارائه شد را خلاصه می‌کنند. در چشم‌انداز پولس، مخالفین او موضوع ختنه را بسیار بزرگ کرده بودند، چون با آمدن مسیح، دیگر اصلا مهم نیست که کسی ختنه شده باشد یا نه. در عوض، آنچه مهم است این است که هر فرد بخشی از «خلقت جدید» شود. به یاد دارید که یکی از راههایی که پولس ایمان داشت اسکاتان (eschaton) یا زمان‌های آخر با آمدن نخست مسیح فرا رسیده، این بود که مسیح بازسازی تمام جهان به خلقتی جدید را آغاز کرده بود. این ترتیب جدید امور آنچه‌آنچه برکت عظیمی برای قوم خدا داشت که کاملا بر راه‌های خلقت قدیم سایه می‌افکند. به جای بازگشت

به راه‌های زندگی پیش از آمدن مسیح، زندگی در خلقت جدید می‌بایست دغدغه سرآمد همه ایمانداران باشد. از زمان پولس تا بازگشت ثانوی مسیح، دغدغه اصلی تمام پیروان مسیح، زندگی در این خلقت جدید است. و آنطور که پولس می‌گوید، کسانی که این را انتخاب می‌کنند، قطعاً «اسرائیل خدا» هستند.

نتیجه‌گیری

در این درس دیدیم که پولس چطور به مشکلات کلیسای غلاطیه پاسخ داد. پیش‌زمینه معلمین کذب در غلاطیه و محتوای رساله پولس به غلاطیان را بررسی کردیم، و در نهایت دیدیم که پولس چگونه در اشاره به مشکلات غلاطیه، بر آموزه محوری خویش درباره آخرت‌شناسی متکی بود.

وقتی بر پاسخ پولس به غلاطیان تامل می‌کنیم، نه تنها می‌بینیم که او چگونه آنان را در مشکلات جدی‌شان راهنمایی کرد، بلکه می‌بینیم پولس چگونه امروز با ما صحبت می‌کند. بسیاری از مسیحیان امروزی نیز مانند غلاطیان زندگی می‌کنند. ما فراموش می‌کنیم که چقدر آمدن نخست مسیح تاریخ بشریت را تغییر داد. مانند غلاطیان، ما نیز به سوی شکست‌ها و ناامیدی‌های زندگی برمی‌گردیم، گویی که مسیح کار کوچکی انجام داده است. اما محور الاهیات پولس، همانطور که با غلاطیان سخن گفت، با ما نیز سخن می‌گوید. مسیح ما را از این عصر شریر حاضر رها کرد تا در برکات عصر آینده زندگی کنیم. وقتی قلب‌های مان را به سوی راه‌های خلقت جدید که در مسیح آمد معطوف می‌کنیم، قطعاً انجیل مسیح را خبر خوش می‌یابیم. مسیح نجات را به جهان آورد، و امتیاز زیستن در آن نجات به ما عطا شده است؛ حتی امروز.